

آیین پرستشی در کتاب مکاشفه

شیوه‌ای ساده و روشن برای فهم همزمان آیین

پرستش کلیسایی و کتاب مکاشفه



نوشته تیموتی آ. روسو

Farsi, Western

“The Liturgy in the Book of Revelation”

برکت یافته - آیین پرستشی در کتاب مکاشفه

Published by Dansk Balkan Mission (DBM) 2025
Reprint of book by © Timothy A. Rossow
Published by Blue Pomegranate Press
Original copyright: Church and Ministry
Publishers, 2009

منتشر شده توسط: مأموریت دانمارکی بالکان (DBM) ۲۰۲۵
بازنشر از کتابی از © تیموتی ای. روسو
منتشر شده توسط: انتشارات Blue Pomegranate Press
حق نشر اصلی: Church and Ministry
Publishers ۲۰۰۹

Farsi translation: © Houman Safajoo
© Dansk Balkan Mission
Graphics: Knud W. Skov, DBM

ترجمه به فارسی: © هومن صفاجو
© مأموریت دانمارکی بالکان (DBM)
گرافیک: کنود دابلیو. اسکوف، DBM

Permission is hereby granted to use anything in this book in any way you find helpful for the Gospel. No attribution is required. This work belongs to the Church.

اجازه داده می‌شود که از هر بخش این کتاب، به هر طریقی که برای خدمت به انجیل مفید می‌دانید، استفاده شود. ذکر منبع الزامی نیست. این اثر متعلق به کلیساست.

The translation and publishing of this book is made by DBM. This book is not for sale - only for free distribution.

ترجمه و نشر این کتاب توسط مأموریت دانمارکی بالکان انجام شده است. این کتاب برای فروش نیست - تنها برای توزیع رایگان در نظر گرفته شده است.

Order copies via
Dansk Balkan Mission
Br. Roddingvej 5a,
DK - 6630 Rødding
www.balkanmission.dk
dbm@balkanmission.dk

برای سفارش نسخه:
Dansk Balkan Mission
Br. Roddingvej 5a,
DK - 6630 Rødding
www.balkanmission.dk
dbm@balkanmission.dk

Lutheran İnceleme Merkezi
Türkiye'de Lüterciler
Ziyapaşa Bulvarı No:93
Özaltın apt. 6. Floor, door 62
01060 Seyhan/Adana, Türkiye

Soli Deo Gloria!



مقدمه

هدف این رساله

کتاب مکاشفه برای بسیاری از افراد، کتابی هراس‌انگیز و پیچیده به نظر می‌رسد. این کتاب سرشار از تصاویر عجیب و غریب و گاه ترسناک است و دارای خطر زمانی‌ای است که در نگاه نخست، گیج‌کننده و مبهم جلوه می‌کند. یکی از راه‌های ورود به این کتاب، نگاهی است از زاویه‌ای آشنا برای مسیحیان سنت‌گرا: یعنی آیین پرستشی. این رساله در پی آن است که عبارات و حرکات متعددی را که از آیین عبادی کلیسایی در کتاب مکاشفه به چشم می‌خورد، شناسایی و تفسیر نماید. در طول مسیر، شرحی نیز از اجزای اصلی کتاب مکاشفه ارائه می‌شود و طرحی آیینی برای فهم بهتر آن پیشنهاد می‌گردد؛ طرحی که ساختار این کتاب را به بخش‌هایی ساده‌تر و قابل فهم‌تر تقسیم می‌نماید، تا خواننده بتواند آن را گام‌به‌گام و با تأملی ژرف‌تر درک کند.

مشاهده حضور آیین پرستشی در کتاب مکاشفه ما را یاری می‌دهد تا دریابیم که آیین عبادی سنتی، ریشه‌ای کاملاً کتاب‌مقدسی دارد. بسیاری از مسیحیان سنت‌گرا، به‌خوبی آگاهند که امروزه جدالی در حوزه پرستش در جریان است؛ نبردی ناپیدا میان شکل سنتی عبادت و شکل نوینی که ساده‌سازی شده و بیشتر به فرهنگ عامه و فضای سرگرمی‌محور شباهت دارد. با نگرستن به آیین پرستشی در کتاب مکاشفه درمی‌یابیم که این نظم عبادی، زائیده تخیل بشری یا پدیده‌ای متکلف از قرون وسطی نیست؛ بلکه شکل و ساختاری از پرستش است که از خود کتاب‌مقدس، از اصول و قالب‌هایی که در پرستش آسمانی نمایان شده، برگرفته شده است. آیین عبادی کلیسایی نه ساخته دست انسان، بلکه انعکاسی از پرستش ملکوتی است که در مکاشفه به تصویر کشیده شده است.

کتاب مکاشفه بیش از بسیاری از دیگر کتب کتاب‌مقدس، به آیین‌های پرستشی اشاره دارد. درک این نکته حائز اهمیت است که زندگی قوم خدا در عهد عتیق، یعنی پیش از

دوران عهد جدید، و همچنین زندگی در جهان آینده، پس از پایان این عصر عهد جدید، هر دو با آیین عبادی و مناسک دینی شناخته می‌شوند. عهد عتیق در یک سوی طیف تاریخی جهان قرار دارد و بر محور نظام قربانی‌هایی که خداوند در بیابان به قوم اسرائیل عطا کرد، بنیان نهاده شده است. این نظام، سرشار از نظم آیینی و ساختار عبادی است. در سوی دیگر این طیف، کتاب مکاشفه را می‌بینیم که آن نیز بر الگویی آیینی استوار است. و این دقیقاً موضوعی است که این رساله به آن می‌پردازد. با ارائه بخش‌هایی برگزیده از کتاب مکاشفه، همراه با شرحی مبتنی بر سنت‌های عبادی، امید آن داریم که دریابید آیین پرستشی، تا چه اندازه در نگرش کتاب‌مقدسی به رابطه با خدا، برجسته و بنیادی است.

مسیحیت معاصر، گرایشی ضدآیین و ضدمناسک دارد که بیش از آن‌که بر الهیات کتاب‌مقدسی استوار باشد، بر اصول فلسفی روشنگری در قرون هفدهم و هجدهم، یعنی بر انسان‌محوری و عقل‌گرایی اتکا دارد. این رساله در پی آن است که راهنمایی باشد برای شناخت ماهیت آیینی و پرستشی کتاب مکاشفه. هدف آن، ارائه شرح و تفسیری کامل بر رویاهای یوحنا نیست، اگرچه در هر بخش از این کتاب، خلاصه‌هایی سودمند عرضه شده است که می‌تواند در فهم و درک بهتر کتاب به شما یاری رساند.

شیوه تنظیم این رساله

این رساله بخش‌هایی از کتاب مکاشفه را که از نظر آیینی و عبادی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، در بر می‌گیرد و پس از هر بخش، شرحی کوتاه و مفید ارائه شده است. (ترجمه کتاب‌مقدس مورد استفاده در نسخه انگلیسی، نسخه استاندارد انگلیسی است مترجم: در ترجمه فارسی کتاب از نسخه ترجمه هزاره نو استفاده شده است). بخش‌هایی از کتاب مکاشفه که از منظر آیینی اهمیت کمتری دارند، در این رساله گنجانده نشده‌اند، اما برای حفظ انسجام و پیوستگی روایت، خلاصه‌هایی فشرده از آن قسمت‌ها نیز ارائه شده است تا مطالعه این رساله بتواند خط داستانی کامل و منسجم مربوط به پایان زمان را به روشنی پیش چشم خواننده بگشاید. متن کتاب‌مقدس با حروف مورب و به‌صورت حاشیه‌دار تنظیم شده است. آیاتی که دارای دلالت‌های آیینی و پرستشی هستند، با قلم درشت و برجسته نمایان گردیده‌اند. شرح و تفسیر هر بخش، با قلم ساده و پس از متن کتاب‌مقدس ارائه شده است.

هدف کتاب مکاشفه

هدف کتاب مکاشفه آن است که به قوم خدا اطمینان بخشد که او زمام همه چیز را در

دست دارد و در حال انجام کاری است تا همگان را به سلامت به آسمان برساند. این پیام در قالبی کاملاً آیینی و پرستشی ارائه شده است، چنانکه در ادامه خواهید دید. برجسته‌ترین موضوع این کتاب، همان موضوع اصلی و سراسری کتاب مقدس است: اینکه خدا از گناه نفرت دارد، اما پسر خود را در جسم انسانی فرستاده است تا با مرگ خویش، بهای گناهان ما را با خون خود بپردازد.

در کتاب مکاشفه، این موضوع با تصاویری چشمگیر و تأثیرگذار به تصویر کشیده شده است. طرحی که در ادامه ارائه می‌گردد، بر اساس بخش‌های اصلی و آیینی این کتاب تنظیم شده است. (برای مشاهده ساختار سنتی‌تر، می‌توانید به «کتاب مقدس تفسیری لوترین» منتشر شده توسط انتشارات Concordia Publishing House, US. در سال ۲۰۰۹ مراجعه فرمایید).

طرحی آیینی از کتاب مکاشفه

بخش نخست - ظهور مسیح بر یوحنا با جامه آیینی و دیکته کردن هفت نامه به کلیساها (فصل‌های ۱ تا ۳): کتاب با صحنه‌ای آغاز می‌شود که در آن مسیح بر یوحنا ظاهر می‌گردد، در حالی که همان ردای آیینی را بر تن دارد که شبانان کلیسا در طول نزدیک به دو هزار سال در مراسم پرستش مقدس بر تن می‌کنند.

بخش دوم - مسیح، بره ذبح شده، سرود «این است ضیافت» و دیگر نغمه‌های آیینی را برمی‌انگیزد (فصل‌های ۴ تا ۵): در این بخش، مسیح در هیئت بره‌ای ذبح شده ظاهر می‌شود؛ تنها اوست که به سبب زخم‌هایش، شایستگی آن را دارد که مهرهای طومارها را بگشاید؛ طومارهایی که تصاویر مربوط به ایام آخر را آشکار می‌سازند (فصل چهارم). سپس او با کلماتی ستایش می‌شود که الهام‌بخش سرود پرشکوه ما با عنوان «این است ضیافت» هستند؛ سرودی که به همراه دیگر نغمه‌های پرستشی، جای خود را در کتاب‌های سرود کلیسایی یافته‌اند.

بخش سوم - جامه‌های سفید، بخور و سجده (فصل‌های ۶ تا ۱۶): پس از تماشای ضیافت عظیم، باشکوه و مجلل در آسمان، تاریخ و سرگذشت ایام پایانی، واپسین روزها و زمان‌های آخر، از طریق سلسله‌ای از هفت چرخه، هفت دور، هفت مرحله (هفت مهر، هفت کاسه غضب، هفت شیپور و غیره) پرده‌برداری، آشکار و مکشوف می‌گردد که دربردارنده و حاوی چندین اشاره، ارجاع، و نشانه جالب، قابل توجه و تأمل‌برانگیز به آیین‌ها، مراسم، و مناسک عبادی است.

بخش چهارم - (فصل‌های ۱۷ تا ۱۸) نابودی فاحشه، روی آوردن به خدایان بیگانه، دلیل بستن نرده عشای ربانی - این بخش از مکاشفه، داوری و حکم الهی بر فاحشه بزرگ (آموزگار دروغین و کلیسای مرتد) و همچنین بر وحش (قدرت دنیوی و سکولار) را به تصویر می‌کشد. فاحشه یا کلیسای منحرف و ارتداد یافته، به‌سوی انواع و اقسام خدایان دروغین، خدایان بیگانه و معبودهای ساختگی روی می‌آورد و به‌سبب وارد کردن این آلودگی‌ها و انحرافات به کلیسای مسیح، مورد مجازات و کیفر قرار می‌گیرد. این حقیقت، انگیزه‌ای غایی و آخر الزمانی به ما می‌بخشد تا به بستن و محفوظ نگاه داشتن نرده عشای ربانی ادامه دهیم.

بخش پنجم - شام خداوند، حالت و ایستار آیینی، و روحیه پر از خشوع و احترام در آسمان نو و زمین نو (فصل‌های ۱۹ تا ۲۲): کتاب با توصیفی باشکوه، شگفت‌انگیز و پرشکوه از معبد خدا در آسمان به پایان می‌رسد (به مضمون آیینی معبد توجه کنید)، و همچنین از شهر عظیم و جاودانه، اورشلیم نو سخن می‌گوید؛ شهری که ایمانداران در آن برای همیشه، تا ابد آباد ساکن خواهند شد.

تصاویر نمادین و اسرار آمیز موجود در کتاب مکاشفه ممکن است ترسناک و دلهره‌آور به نظر برسند، اما باید به یاد داشته باشیم که خداوند این کتاب را برای تسلی، دلگرمی و آرامش ما در این راه دراز و گاه دشوار و ناهموار به‌سوی آسمان عطا کرده است. این کتاب را با در نظر داشتن همین موضوع اصلی بخوانید و بکوشید که با نمادهایی که برایتان مفهوم نیست، ذهن‌تان پریشان و مشوش نگردد (در این رساله کوچک، مجالی برای شرح همه آن تصاویر وجود ندارد). تنها چشمان خود را بر بره‌ای که برای شما ذبح شد بدوزید، در حین مطالعه این کتاب شگفت‌انگیز و سرشار از شگفتی کتاب مقدس، او شما را در سفری آیینی، از صلیب خود، از میان این عصر حاضر، تا رسیدن به داوری نهایی رهبری خواهد کرد. او شما را گرامی می‌دارد و در ایمان نگاه خواهد داشت تا هنگام بازگشت نهایی و پرشکوه خویش.

بخش نخست فصل‌های ۱ تا ۳

ظهور مسیح بر یوحنا با جامهٔ آیینی و هفت نامه خطاب به کلیساهای

فصل ۱: آیات ۱ تا ۸ - دیباچه و مقدمهٔ یوحنا

۱:۱ مکاشفهٔ عیسی مسیح، که خدا به او عطا فرمود تا آنچه را می‌باید زود واقع شود، به خادمان خود باز نماید، و آن را با فرستادن فرشتهٔ خود بر خادمش یوحنا آشکار ساخت. ۲ و یوحنا بر هر آنچه دید، یعنی بر کلام خدا و شهادت عیسی مسیح، گواهی می‌دهد. ۳ خوشا به حال کسی که این کلام نبوت را قرائت می‌کند و خوشا به حال آنان که آن را می‌شنوند و آنچه را در آن نوشته شده، نگاه می‌دارند؛ زیرا وقت نزدیک است. درود و نیایش ۴ از یوحنا، به هفت کلیسا که در ایالت آسیا هستند: فیض و سلامتی از جانب او که هست و بود و می‌آید بر شما باد، و از جانب هفت روح پیشگاه تخت او، ۵ و از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین و نخست‌زاده از میان مردگان و فرمانروای پادشاهان جهان. بر او که ما را محبت می‌کند و با خون خود ما را از گناهانمان رها کنید، ۶ و از ما پادشاهی‌ای ساخت و کاهنانی برای خدا و پدر خود، بر او جلال و قدرت باد، تا ابد. آمین. ۷ هان با ابرها می‌آید، هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنان که نیزه به او زدند؛ و همهٔ طوایف زمین به سوگوش خواهند نشست. آری چنین خواهد بود. آمین. ۸ خداوند خدا می‌گوید: «مَنَّم "الف" و مَنَّم "ی"؛ مَنَّم آن که هست و بود و می‌آید، آن قادر مطلق».

کتاب مکاشفه، نامه‌ای است تشویق‌آمیز و دلگرم‌کننده خطاب به هفت کلیسا در آسیای صغیر. این نیت عملی و کاربردی باید ما را برانگیزد تا این کتاب را با امید و دلگرمی بخوانیم، نه با ناامیدی و سردرگمی.

در همان ابتدای فصل نخست، با مفاهیمی آیینی و پرستشی روبه‌رو می‌شویم. توجه کنید که یوحنا در آیات ۴ تا ۶ ناگهان وارد دعا می‌شود. بخش زیادی از کتاب مقدس در قالب دعا بیان شده است. دعا و آیین عبادی، اموری بیگانه با کلام خدا نیستند، بلکه به‌گونه‌ای طبیعی و پیوسته از درون آن جاری می‌شوند. همچنین توجه داشته باشید که واژگانی که شبان کلیسا پیش از موعظه بر زبان می‌آورد، برگرفته از همین بخش از کتاب است (آیات ۴ تا ۵). در آیه ۵، یوحنا به خون مسیح اشاره می‌کند - که مرکز پیام کتاب مقدس و جوهره آن است - و این همان محور اصلی آیین پرستشی نیز هست (اعتراف و آمرزش برای شایسته شدن حضور در محضر خداوند، حرکت صلیب، شام خداوند و غیره).

همچنین به کاربرد آیینی واژه «آمین» در آیه ۶ توجه کنید. گفتن «آمین» به‌معنای «آری، چنین است» یا «این سخن راست و حقیقی است» می‌باشد. واژه «آمین» بخشی از گفتار روزمره و عادی ما نیست، با این حال با اطمینان خاطر آن را به دعاهایمان می‌افزاییم. این امری است که ما آن را آموخته‌ایم. این موضوع نمونه‌ای نیکو از آن است که چگونه می‌توانیم شکل‌ها و اعمالی را که در زندگی روزمره ما جای ندارند، ولی پرستش ما را غنا می‌بخشند، بیاموزیم و قدر بدانیم. گفتن «آمین» در مراسم پرستشی، امری مختص به گروه یا فرقه‌ای خاص، مثلاً بنیادها نیست. جماعتی که من در آن خدمت می‌کنم نیز آموخته‌اند که در چندین نقطه از آیین عبادی، همراه با شبان کلیسا «آمین» بگویند، مانند پایان ووتوم (مترجم: «ووتوم» (Votum) واژه‌ای است برگرفته از زبان لاتین که در آیین عبادی کلیساهای سنتی، به‌ویژه در سنت لوتری، به جمله‌ای خاص اطلاق می‌شود که شبان کلیسا در آغاز موعظه بر زبان می‌آورد. این جمله معمولاً از کتاب مقدس گرفته شده و هدف آن، اعلام برکت و حضور خداوند پیش از شنیدن پیام کلام خداست)، آغاز موعظه، و پایان عبادت. این سنتی کتاب مقدسی است. ما همچنین تلاش کرده‌ایم تا به‌جای تبادل احوالپرسی‌های معمول و غیررسمی با اعضای کلیسا، از درود آیینی کتاب مقدس استفاده کنیم: «سلامتی خداوند با تو باد»، و پاسخ «و نیز با تو».

فصل ۱: آیات ۹ تا ۱۲ - رویای پسر انسان

۹ من یوحنا، برادر شما، که در رنجها و در پادشاهی و در استقامتی که در عیسی از آن ماست، با شما شریکم، به‌خاطر کلام خدا و شهادت عیسی، در جزیره پاتموس بودم.
 ۱۰ در روز خداوند، در روح شدم و صدایی بلند چون بانگ شیپور از پشت سر شنیدم
 ۱۱ که می‌گفت: «آنچه را که می‌بینی بر طوماری بنویس و به هفت کلیسای افسس، اسمیرنا، پرگاموم، تیاتیرا، ساریس، فیلاپیه و لائودیکیه بفرست».

۱۲ پس رو به عقب برگردانیدم تا ببینم آن چه صدایی است که با من سخن می‌گوید؛ و چون برگشتم، هفت چراغدان طلا دیدم، ۱۳ و در میان آن چراغدانها یکی را دیدم که به 'پسر انسان' می‌مانست. او ردایی بلند بر تن داشت و شالی زرین بر گرد سینه. ۱۴ سر و مویش چون پشم سفید بود، به سفیدی برف، و چشمانش چون آتش مشتعل بود. ۱۵ پاهایش چون برنج تافته بود در کوره گداخته، و صدایش به غرش سیلابهای خروشان می‌مانست. ۱۶ و در دست راستش هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری بُرّان و دو دم بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چونان خورشید بود در درخشش کاملش. ۱۷ چون او را دیدم همچون مرده پیش پاهایش افتادم. اما او دست راستش را بر من نهاد و گفت: «بیم مدار، من اولم و من آخر؛ ۱۸ و من آن که زنده اوست. مرده بودم، اما اینک ببین که زنده جاویدم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان در دست من است. ۱۹» پس آنچه دیده‌ای، و آنچه اکنون هست و آنچه از این پس خواهد شد، همه را بنویس. ۲۰ راز آن هفت ستاره که در دست راست من دیدی و راز آن هفت چراغدان طلا این است: آن هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسایند، و آن هفت چراغدان، همان هفت کلیسا.

در این بخش، عیسی توصیف می‌شود در حالی که جامه‌ای بر تن دارد که بسیار شبیه به پوشش شبانان کلیسا در آیین‌های عبادی است. او ردایی سفید بر تن دارد و کمر بندی (یعنی شالی روحانی) بر خود بسته است. در اطراف او چراغدان‌هایی قرار دارند، که آن‌ها نیز از عناصر اصلی پرستش آیینی به‌شمار می‌روند. از این‌رو، در کتاب مکاشفه نه تنها واژگان آیینی، بلکه نشانه‌ها و عناصر ظاهری پرستش نیز حضور دارند.

فصل ۲: آیه ۱ تا فصل ۳: آیه ۲۲ - هفت نامه به هفت کلیسا

این‌ها هفت نامه به هفت کلیسا در آسیای صغیر هستند. هر کلیسا ویژگی‌ها، قوت‌ها و ضعف‌های خاص خود را دارد، و از این‌رو روح‌القدس، یوحنا را برمی‌انگیزد تا برای هر کلیسا دستورالعمل‌ها و توصیه‌های ویژه‌ای بنویسد. این بخش، یکی از بخش‌های جالب و تأمل‌برانگیز کتاب است، اما در این رساله گنجانده نشده، چرا که ارجاعات آیینی و پرستشی در آن یا وجود ندارد یا بسیار اندک است.

در این قسمت نام کلیساهای و رویکردی که یوحنا نسبت به هر یک اتخاذ می‌کند، ارائه شده است.

۱. افسس - کلیسای نیرومند بود که به مرور ضعیف شده بود؛ از این رو، یوحنا ایشان را تشویق می‌کند تا به غیرت و شور ایمانی نخستین خود بازگردند.

۲. اسمیرنا - این جماعت نیز استوار و وفادار بودند، اما در آستانه‌ی آزمونی سخت‌تر از آنچه تاکنون تجربه کرده بودند قرار داشتند؛ بنابراین یوحنا ایشان را با این کلام که اکنون به یکی از محبوب‌ترین آیات تثبیت ایمان تبدیل شده، دلگرم می‌سازد: «تا به مرگ وفادار بمان که من تاج حیات را به تو خواهم بخشید».

۳. پرگاموم - این کلیسا نیز استوار بود، اما به برخی تعلیمات دروغین تسلیم شده بودند و قرار بود در برابر تعلیماتی باطل‌تر نیز مورد آزمون قرار گیرند.

۴. تیاتیرا - جماعتی پر از محبت و اعمال نیک بودند، اما عضوی را در میان خود تحمل می‌کردند که آنان را به سوی اعمال بت‌پرستانه و ناپاکی جنسی گمراه می‌ساخت. خدا وعده داد که او را از میانشان دور خواهد ساخت.

۵. ساردیس - این کلیسا نیاز داشت که بیدار شود، زیرا با وجود شهرتی نیکو، در واقع کلیسای مرده بود.

۶. فیلادلفیه - جماعتی ضعیف بودند که از آزمون‌های فراوانی عبور کرده بودند، اما خدا وعده داد که ایشان را نیرومند نگاه خواهد داشت.

۷. لائودیکیه - کلیسای سرد و بی‌روح بود، و خدا آنان را تهدید کرد که چون ولرم‌اند (بی‌تفاوت، بی‌اشتیاق)، ایشان را از دهان خود بیرون خواهد افکند.

بخش دوم فصل‌های ۴ تا ۵

بره ذبح‌شده الهام‌بخش، «این است ضیافت» و دیگر نغمه‌های آیینی

فصل چهارم - تاج و تخت در آسمان

۴:۱ پس از آن نظر کردم و اینک پیش رویم دری گشوده در آسمان بود، و همان صدای چون بانگ شیپور که نخست بار با من سخن گفته بود، دیگر بار گفت: «بالا بیا، و من آنچه را بعد از این می‌باید واقع شود، بر تو خواهم نمود». ۲ در دم در روح شدم و همان تختی پیش رویم در آسمان قرار داشت و بر آن تخت کسی نشسته بود. ۳ آن تخت‌نشین، ظاهری چون سنگ‌یشم و عقیق داشت و دور تا دور تخت را رنگین‌کمانی زمردگون فرا گرفته بود. ۴ گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت دیگر بود و بر آنها بیست و چهار پیر نشسته بودند. آنان جامه سفید بر تن داشتند و تاج طلا بر سر. ۵ و از تخت، برق آذرخش برمی‌خاست و غریو غرش رعد. پیشاپیش تخت، هفت مشعل مشتعل بود. اینها هفت روح خداوند. ۶ و پیش تخت، چیزی بود که به دریایی از شیشه می‌مانست، چون بلور. در آن میان، در اطراف تخت، چهار موجود زنده بود، پوشیده از چشم، از پیش و از پس. ۷ موجود زنده اول، به شیر می‌مانست و موجود زنده دوم به گوساله. سوم، صورت انسان داشت و چهارمی، چو نان عقابی بود در پرواز. ۸ آنها هر کدام شش بال داشتند و دور تا دور، حتی زیر بالها، پوشیده از چشم بودند، و شبانه روز بی‌وقفه می‌گفتند: «قلوس، قلوس، قلوس است خداوند خدای قادر مطلق، او که بود و هست و می‌آید». ۹ هر بار که آن موجودهای زنده، جلال و عزت و سپاس نثار آن تخت‌نشین می‌کنند که جاودانه زنده است، ۱۰ آن بیست و چهار پیر پیش روی تخت‌نشین بر خاک می‌افتند و او را که جاودانه زنده است می‌پرستند

و پیش تخت او تاج از سر فرو می‌گذارند و می‌گویند: ۱۱ «ای خداوند خدای ما، تو سزاوار جلال و عزت و قدرتی، زیرا که آفریدگار همه چیز تویی و همه چیز به خواست تو وجود یافت و به خواست تو آفریده شد».

این بخش، آغاز تصاویری پرشکوه و چشمگیر است که با هدف تقویت ایمان و دلگرمی ما ارائه شده‌اند. توجه داشته باشید که محل وقوع این رؤیاها، معبد و تالار تخت آسمانی است. این فضا، فضایی آیینی و عبادی است (معبد). چنین تصویری باید ما را برانگیزد تا در پرستش خداوند از نهایت تلاش، شکوه و والاترین شیوه‌ها بهره گیریم، چرا که به ما یادآوری می‌شود او بر تخت پادشاهی آسمانی خود نشسته است.

در این بخش، «کتاب حیات» معرفی می‌شود و یوحنا آغاز به گریستن می‌کند، زیرا کسی یافت نمی‌شود که شایستگی گشودن آن را داشته باشد، تا آن‌که مسیح پدیدار می‌گردد؛ در هیئت بره‌ای ذبح‌شده، با زخم‌های صلیب. او به‌سبب همین زخم‌ها، نامی را دریافت کرده که بالاتر از هر نام است (فیلیپیان ۲) و همین او را سزاوار گشودن آن کتاب ساخته است. این متن از غنی‌ترین بخش‌های کتاب مکاشفه برای درک لحن، حالت و فضای مناسب برای پرستش خداوند است. در آیات ۲ تا ۶، تخت خدا در آسمان توصیف می‌شود؛ تختی باشکوه، درخشان، آکنده از جلال، با صاعقه و برق، و احاطه‌شده با مشعل‌هایی شعله‌ور. جای شگفتی نیست که در طول دو هزار سال، سبک غالب پرستش در کلیسا، سبکی رسمی، آیینی، موقر و سرشار از حرمت بوده است. ما تخت خدا را در میان خود نداریم، اما پیکر و خون حقیقی مسیح را، که در آیین یکشنبه‌ها به ما عطا می‌شود، در اختیار داریم. حضور خداوند در میان ماست در عبادت کلیسایی، و از این‌رو شایسته است که پرستش ما به‌سوی آنچه در مکاشفه فصل چهارم توصیف شده است، میل کند و بدان شباهت یابد.

یکی از دلایلی که پرستش در سنت پروتستانیسم معاصر، به‌ویژه در شاخه انجیلی آمریکایی، از حرمت و وقار کافی برخوردار نیست، آن است که آنان به حضور واقعی بدن و خون مسیح در شام خداوند ایمان ندارند. این باور، تأثیری ژرف و تعیین‌کننده بر شیوه پرستش می‌گذارد. آنان همچنین هدف خدمت عبادی را به‌درستی در نمی‌یابند؛ خدمتی که باید عرصه‌ای باشد برای دریافت آمرزش خدا از طریق اعلام آمرزش گناهان، غسل تعمید، موعظه، و تقسیم بدن و خون خداوند. گرچه ایشان تا حدی به آمرزش اشاره می‌کنند، اما بخش عمده‌ای از موعظه‌های آنان معطوف به بهبود زندگی مسیحی در سطح عملی

است. به سبب فقدان درک صحیح از حضور خدا و فیض آموزش او در آیین کلیسایی، رویکردی غیر رسمی و ساده‌انگارانه نسبت به پرستش در پیش گرفته‌اند؛ رویکردی که با ظهور موسیقی عامه‌پسند مسیحی، بیش از پیش رواج یافته است. مایه تأسف است که بسیاری از کلیساهای لوتری که پیش‌تر بر آموزه‌های اعترافی استوار بودند، اکنون در پی این سبک غیر رسمی پرستش‌اند، سبکی که از جوهره واقعی پرستش کتاب مقدسی - یعنی آموزش گناهان - تهی است.

آیه ۶ ذهن را به معبد عهد عتیق معطوف می‌سازد. در صحن مذبح، حوضی بزرگ برای تطهیر آیینی کاهنان قرار داشت. دریای بلورینی که در آیه ۶ توصیف شده، ممکن است اشاره‌ای باشد به همان حوض بزرگ آب که در محوطه معبد قرار داشت (رک خروج ۱۸:۳۰).

اگر چنین باشد، این تصویر از معبد عهد عتیق که در رؤیای یوحنا حاضر است، یادآوری خوبی است برای ما که ایمان مسیحی و پرستش آن، تماماً درباره قربانی برای آموزش گناهان است؛ قربانی‌ای که در بدن و خون مسیح برای ما انجام شده است. این تصویر همچنین یادآور تأثیرگذار و روشنی است از آبی که در غسل تعمید ما را پاک ساخت. حوض‌های تعمیدی ما می‌توانند نماد آن حوض عظیم باشند که در برابر معبد آسمانی قرار دارد (که در موازات آن، مذبحی است که حضور واقعی مسیح در شام مقدس در آن یافت می‌شود).

آیات ۸ تا ۱۱ تکرارکننده «تقدیس سببار» یا تریسازئون (سببار «قدوس») هستند که در اشعیا فصل ۶ نیز آمده است. امروزه ما این سرود را در بخش سانکتوس (Sanctus) می‌خوانیم؛ یعنی دقیقاً پیش از لحظه‌ای که بدن و خون مسیح در شام مقدس ظاهر می‌شود. خداوند در معبد مقدس خود در آسمان حاضر است، و همچنین در شام خود نیز حاضر می‌باشد؛ از این رو، او را سببار «قدوس» می‌خوانیم و تقدیس می‌کنیم.

دیگر نکات آیینی قابل توجه در این بخش آن است که بخشی از متن سرود «این است ضیافت» برگرفته از همین قسمت از کتاب مکاشفه است. همچنین توجه داشته باشید که کسانی که گرداگرد تخت ایستاده‌اند، در برابر حضور خداوند سر تعظیم فرود می‌آورند. تعظیم، تنها مختص شهبانان کلیسا نیست؛ بلکه حالتی سرشار از احترام و خشوع است که همه پرستندگان می‌توانند آن را اختیار کنند. مواضع مناسب برای تعظیم در آیین عبادی عبارت است از:

- هنگام خواندن بخش نخست سرود جلال (Gloria)، هنگامی که نام تثلیث اقدس برده می‌شود.
- پیش از ورود به نیمکت کلیسا، در بدو ورود به پرستشگاه، با تعظیم به‌سوی مذبح، زیرا آن مکان، محل حضور بدن و خون خداوند است.
- هنگامی که صلیب حرکت‌کننده آیینی (صلیب ورودی) از برابر شما عبور می‌کند.
- در لحظات اعلام کلمات برپایی شام خداوند، یعنی هنگامی که گفته می‌شود: «این است بدن من» و «این است خون من».
- و در دیگر مواضع مناسب، بر اساس تقوای شخصی و حرمت‌نهادن قلبی هر فرد.

فصل پنجم - طومار و بره

۱:۵. آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدیم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مهر مَهور بود. ۲ و فرشته‌ای نیرومند دیدیم که به بانگ بلند ندا می‌داد: «کیست که سزاوار برداشتن مهرها و برگشودن طومار باشد؟» ۳ و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند. ۴ من زار زار می‌گریستم زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد.

۵ آنگاه یکی از پیران به من گفت: «گریان مباش، اینک آن شیر قبیله یهودا، آن ریشه داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مهر آن را بگشاید». ۶ آنگاه بره‌ای دیدیم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خداوند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند. ۷ او پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. ۸ پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر بیش بای بره بر خاک افتادند. آنها هر یک چنگی در دست داشتند و جامی زرین آکنده از بخوری که همان دعا‌های مقدسین است. ۹ و سرودی تازه بدین‌سان می‌سرودند که: «تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مهرهای آن، چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت، برای خدا خریدی؛

۱۰ و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد». ۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای خیل فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تحت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و گرورها گروهر بیشتر بود. ۱۲ و با صدای بلند چنین می‌گفتند: «آن

برهٔ ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش».

۱۳ سپس شنیدیم هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست، با هر آنچه در آنهاست، چنین می‌سرودند که: «ستایش و حرمت، و جلال و قدرت، تا ابد از آن تخت‌نشین و بره باد». ۱۴ و آن چهار موجود زنده گفتند: «آمین»، و آن پیران بر زمین افتادند و نیایش کردند.

این بخش، تصویر آیینی و پرشکوه برهٔ ذبح‌شده را ادامه می‌دهد. اینکه مسیح به‌صورت بره‌ای ذبح‌شده به تصویر کشیده می‌شود (آیهٔ ۶، و نیز آیهٔ ۹)، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که ایمان مسیحی بر محور آموزش گناهان می‌چرخد و آیین عبادی نیز باید چنین باشد. به همین دلیل است که خدمت عبادی کلیسایی با اعتراف گناهان و اعلام آموزش آغاز می‌گردد. این پرسش به ذهن می‌رسد که چگونه کلیساهای معاصر در سنت پروتستانی می‌توانند کتاب‌مقدس را بخوانند و همچنان به انجام آیینی ادامه دهند که در آن هیچ اثری از آموزش مقدس دیده نمی‌شود. کتاب مکاشفه با وضوح تمام اعلام می‌دارد که پیام خداوند، تماماً دربارهٔ آموزش گناهان است.

در این بخش، نکات دیگری نیز از نظر آیینی و عبادی جلب توجه می‌کنند. تصویر کاسه‌های طلایی پر از بخور که نمایانگر دعا‌های مقدسان است (آیهٔ ۸)، اهمیت دعای عمومی در هر یکشنبه و نیز دعا‌های روزانهٔ شخصی ما را یادآور می‌شود. بخش‌هایی از سرود ستایش «این است ضیافت» بار دیگر در این آیات دیده می‌شود (آیات ۱۲ تا ۱۳). همچنین توجه کنید که جماعت حاضر در صحنه می‌گویند: «آمین» (آیهٔ ۱۴)، که نقطه‌گذاری رایج و شناخته‌شده‌ای در سنت عبادی کلیساست. در این رؤیا، حالت و وضعیت بدنی آیینی نیز برجسته است (آیهٔ ۱۴)؛ جایی که مشایخ سر فرود می‌آورند و پرستش می‌کنند. هر چند در سنت پروتستانی رایج‌ترین (و گاه تنها) حالت ظاهری در عبادت، دست‌به‌هم‌گذاشتن است، اما در کتاب‌مقدس، تعظیم و زانو زدن بسیار متداول‌تر است، و از این‌رو، افزودن چنین حرکتی به پرستش کلیسایی می‌تواند جلوه‌ای زیبا و شایسته بیافریند.

بخش سوم فصل‌های ۶ تا ۱۶

جامه‌های سفید، بخور و سجده

فصل ششم - چهار سوار و هفت مهر

فصل ششم حذف شده است. این فصل چهار سوار مشهور را توصیف می‌کند که بر زمین می‌تازند و آغاز ایام آخر را اعلام می‌نمایند. همچنین مجموعه‌ای از بلایا و ویرانی‌ها را شرح می‌دهد که با گشوده شدن هر یک از هفت مهر، آزاد می‌گردند.

شناخت چهار سوارکار:

۱. اسب سفید - پیروزی نهایی بشارت کلام خدا به تمامی قوم‌ها و ملت‌ها.
۲. اسب سرخ - خونریزی جنگ‌هایی که پیش از بازگشت مسیح رخ خواهند داد.
۳. اسب سیاه - قحطی و گرسنگی‌ای که پیش از بازگشت مسیح خواهد آمد.
۴. اسب رنگ‌پریده - مرگی که پیش از آمدن مسیح، بر نوع بشر سایه خواهد افکند.

فصل هفتم - صد و چهل و چهار هزار نفر و ضیافت پیروزی

۱ پس از آن، دیدم چهار فرشته در چهار گوشه زمین ایستاده‌اند و چهار باد زمین را بازمی‌دارند تا بر خشکی و دریا و هیچ درختی نوزند. ۲ آنگاه فرشته‌ای دیگر دیدم که از محل طلوع آفتاب سر می‌زد و مهر خدای زنده با او بود. و به بانگ بلند به آن چهار فرشته که قدرت آسیب رساندن به خشکی و دریا به آنها داده شده بود، ندا داد که: ۳ «پیش از آنکه بر پیشانی بندگان خدا، ایمان مهر زنیم، به خشکی و دریا و درختان آسیب

نرسانید». ۴. آنگاه شنیدیم که شمار مُهرشنگان صد و چهل و چهار هزار تن از کل قبایل بنی‌اسرائیل بود. ۵. از قبیله یهودا دوازده هزار تن مُهر شدند، از قبیله رُوبین، دوازده هزار تن، از قبیله جاد، دوازده هزار تن، ۶. از قبیله آشیر، دوازده هزار تن، از قبیله نَفثالی، دوازده هزار تن، از قبیله مَنَسی، دوازده هزار تن، ۷. از قبیله شمعون، دوازده هزار تن، از قبیله لاوی، دوازده هزار تن، از قبیله یساکار، دوازده هزار تن، ۸. از قبیله زبولون، دوازده هزار تن، از قبیله یوسف، دوازده هزار تن، و از قبیله بنیامین دوازده هزار تن. گروه بی‌شمار نجات‌یافتگان ۹ پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچ‌کس آنان را نمی‌توانست شماره کند و همه پیش تخت و در پیشگاه برده ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخه نخل به دست. ۱۰. آنان به بانگ بلند ندا در دادند که: «نجات از آن خدای ماست، که بر تخت نشسته؛ و از آن برده است». ۱۱. و همه فرشتگان، گرداگرد تخت و گرداگرد پیران و چهار موجود زنده ایستادند؛ و همه در پیشگاه تخت روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کرده، ۱۲ گفتند: «آمین! ستایش و جلال و حکمت و سیاس و اکرام و قدرت و توانایی خدای ما را باد، تا ابد. آمین!» ۱۳. آنگاه یکی از آن پیران از من پرسید: «اینان که ردای سفید به تن دارند کیانند و از کجا آمده‌اند؟» ۱۴. جواب دادم: «این را تو می‌دانی، سرورم». و او گفت: «اینان همان کسانی‌اند که از عذاب عظیم برگزشته‌اند و ردهای خود را در خون برده شسته‌اند و سفید کرده‌اند. ۱۵. هم از این روست که: «اینان در پیشگاه تخت خدایند و شبانه‌روز او را در معبدش خدمت می‌کنند؛ و آن تخت‌نشین، خیمه خود را بر آنان می‌گستراند. ۱۶. و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد، و هرگز تشنه نخواهند گردید، و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید، و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر. ۱۷. زیرا که برده از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود، و آنان را به چشمه‌های آب حیات رهنمون خواهد شد. و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنان خواهد سترد».

در این بخش، یوحنا جمعیتی را می‌بیند که شمار آن‌ها یکصد و چهل و چهار هزار نفر است؛ عددی نمادین که نمایانگر تمامی کسانی است که خدا ایشان را به ایمان فرا خوانده است - این عدد حاصل ضرب $12 \times 12 \times 10 \times 10$ است، یعنی عدد قبایل عهد عتیق ضرب‌در عدد رسولان عهد جدید، ضرب‌در ده به توان دو. عدد ۱۰ در اینجا اهمیتی خاص دارد، زیرا عددی کامل به‌شمار می‌آید که از ترکیب دو عدد اول اسرارآمیز، یعنی ۳ و ۷ تشکیل شده است. هدف از این عدد، شمارش حسابگرانه و دقیق تمامی نجات‌یافتگان نیست، بلکه عددی است کاملاً نمادین که کلیسا را نمایندگی می‌کند. نکته اصلی این است که عدد، کامل است؛

یعنی عدد کلیسا (۱۲) ضربدر عدد کمال و تمامیت (۱۰). اینکه مقدّسان آسمانی بر پایهٔ قبایل اسرائیل دسته‌بندی شده‌اند، ما را به یاد جایگاه برجستهٔ عهد عتیق در ایمان مسیحی می‌اندازد؛ و از همین‌روست که نقش پررنگی در آیین عبادی کلیسایی یافته است. برای نمونه، نقطهٔ اوج آیین پرستشی مسیحی، یعنی شام خداوند، نسخه‌ای کامل‌تر و به‌کمال‌رسیده‌تر از شام فصح در عهد نخستین است. آیین‌ها و متون عهد عتیق، سرچشمه‌ای سرشار و غنی برای تغذیهٔ آیین عبادی عهد جدید هستند. آیین کلیسایی در واقع از پرستش کنیسه در زمان کتاب مقدّس ریشه گرفته و از دل همان سنت برآمده است.

دفعهٔ بعد که داستان دیدار عیسی از زادگاهش ناصره در یکی از اناجیل خوانده می‌شود، با دقت بیشتری توجه کنید. آن بخش کوتاه از مراسم عبادتی کنیسه که در این روایت مشاهده می‌شود، شباهت بسیاری به آیین عبادی امروزی کلیسا دارد. عیسی، قرائت تعیین‌شدهٔ آن روز را می‌خواند و سپس موعظه‌ای بر اساس آن ایراد می‌نماید. برای آشنایی بیشتر با موضوع لیتورژی، لطفاً به این وب‌سایت مراجعه فرمایید: <https://scholar.csl.edu/ccluthworship2/>

رؤیای برهٔ ذبح‌شده با صحنه‌ای از یک آیین پرستشی به اوج می‌رسد؛ جایی که مردمانی از هر قبیله و قوم و ملت حضور دارند (آیهٔ ۹). بر همین اساس، سرودهایی که در کتاب سرود کلیسای لوتری گنجانده شده‌اند، آگاهانه نمایندهٔ فرهنگ‌ها و ملت‌های گوناگون جهان هستند. بسیاری آیین عبادی را نوعی سنت صرفاً آلمانی و کهنه می‌دانند. اما اگر نگاهی به سرودهای موجود در Lutheran Service Book بیندازید، خواهید دید که این سرودها از آفریقا، آمریکا، اسکانديناوی، چین، آلمان و بسیاری نقاط دیگر آمده‌اند. همچنین، آیین عبادی گاه به‌عنوان سنتی قدیمی و از مدافعه‌مورد انتقاد قرار می‌گیرد، حال آنکه چنین نیست. موسیقی آیینی و سرودهای Lutheran Service Book، نمایانگر تمام تاریخ دوهزار سالهٔ پرستش مسیحی هستند.

در این بخش، نشانه‌های بیشتری از آیین عبادی دیده می‌شود. بار دیگر جامه‌های سنتی آیینی مشاهده می‌گردد (آیهٔ ۹) و نیز عملی آیینی چون تکان دادن شاخه‌های نخل. در آیهٔ ۱۱، ژستی دیگر از آیین عبادی ظاهر می‌شود: بر زمین افتادن و به‌روی درآمدن در پرستش. جامه‌های مقدّسان که در خون بره شسته شده‌اند، بار دیگر ما را به جایگاه برجستهٔ آمرزش گناهان در ایمان مسیحی و آیین عبادی کلیسا یادآور می‌شود (آیهٔ ۱۴).

فصل ۸: آیات ۱ تا ۶ - مهر هفتم و مجمر طلایی

۱/۱ هنگامی که بره هفتمین مهر را گشود، حدود نوبساعت سکوت بر آسمان حکمفرما شد. ۲ و آن هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا می‌ایستند، و به آنان هفت شبپور داده شد. ۳ و فرشته‌ای دیگر آمد که بخورسوزی از طلا با خود داشت، و پیش مذبح ایستاد. به او بخور بسیار داده شد تا آن را با دعا‌های همه مقدسین بر مذبح طلایی پیش تخت تقدیم کند. ۴ دود بخور با دعا‌های مقدسین از دست‌های آن فرشته تا به پیشگاه خدا بالا رفت. ۵ آنگاه فرشته بخورسوز را برگرفت و از آتش مذبح بی‌اُکند و بر زمین افکند. آنگاه غرش رعد بود و بانگ و غوغا، و آذرخش که برمی‌خاست و زمین که می‌لرزید.

آخرین مهر از طومار گشوده می‌شود و ما به پایان زمان، به نهایت ایام، نزدیک می‌شویم. رؤیایی که در آن مقدّسان در آسمان دیده می‌شوند، حال و هوایی آیینی و عبادی دارد. نخست، سکوت برقرار می‌شود؛ سکوتی که از عناصر رایج در آیین عبادی است، به‌ویژه در عبادات شامگاهی که لحظاتی برای سکوت، تأمل در آیات کتاب مقدّس و دعای خاموش در نظر گرفته شده است.

تعداد بسیار اندکی از کلیساهای لوتری از بخور استفاده می‌کنند، اما بخور از ویژگی‌های برجسته و پررنگ در کتاب مکاشفه است. بخور از سنت‌های عبادتی عهد عتیق برخاسته، جایی که به‌عنوان قربانی‌ای خوشبو و پذیرفتنی به حضور خدا تقدیم می‌شد. در اینجا، بخور نمادی است از دعا‌های ما که در ایام آخر، همچون عطری خوشبو به‌سوی خدا بالا می‌روند.

فصل ۸: آیه‌های ۶ تا فصل ۹: آیه ۲۱ - هفت شبپور

چون این بخش از متنی غنی از عناصر لیتورژیک برخوردار نیست، آیات ۶ از فصل ۸ تا آیه ۲۱ از فصل ۹ حذف شده‌اند. این قسمت، دومین دور از هفت‌گانه سفرهایی است که در چرخه زمان‌های آخر صورت می‌پذیرند؛ نخستین آن‌ها هفت مهر بود. این بخش، از جمله مبهم‌ترین و کم‌فهمیده‌شده‌ترین چرخه‌ها به‌شمار می‌رود. برخی بر این باورند که این هفت شبپور نمایانگر ظهور هفت بدعت در کلیسا پیش از بازگشت مسیح هستند، حال آن‌که گروهی دیگر آن را تنها توصیفی تصویری از گستره خشم الهی می‌دانند که بر جهانی گناه‌لود فرود می‌آید.

فصل ۱۰: آیه‌های ۱ تا ۱۱ - فرشته و طومار کوچک

آیات ۱ تا ۱۱ از فصل ۱۰ نیز در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش نمایانگر طوماری دیگر است که یوحنا مأمور به خوردن آن می‌شود؛ نمادی از آن‌که او خود باید داوری نهایی خدا را اعلام کند - یعنی همین کتاب مکاشفه. این طومار، هم تلخ است و هم شیرین. تلخ است (به معنای

شریعت)، زیرا در پایان، مصیبت‌ها و سختی‌های فراوانی در راه خواهد بود؛ و شیرین است (به معنای انجیل)، زیرا پایان این مسیر به ربوده‌شدن قوم خدا و انتقال ایشان به آسمان ختم می‌شود.

دو شاهد و شیپور هفتم

۱۱:۱ **آنگاه ساقهای از نی به من داده شد که به چوب اندازه‌گیری می‌مانست و به من گفته شد: «برخیز و معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و شمار پرستندگان آنجا را تعیین کن، ۲ ولی تو را با صحن بیرونی کاری نباشد و آن را اندازه بگیر، زیرا که آن به کافران واگذار شده است. اینان شهر مقدس را چهل و دو ماه لگدمال خواهند کرد. ۳ و من دو شاهد خود را مأمور خواهم ساخت که پلاس در تبر، هزار و دویست و شصت روز نبوت کنند. ۴ این دو، همان دو درخت زیتونند و همان دو چراغدان که در حضور خداوند زمین می‌ایستند (آیات ۵ تا ۱۴ از فصل ۱۱ کنار گذاشته شده‌اند. این بخش به کار دو چراغدان و چگونگی آزار و جفا بدین ایشان می‌پردازد). ۵ آنگاه فرشته هفتم شیپورش را به صدا درآورد؛ و ناگهان صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: «حکومت جهان، از آن خداوند ما و مسیح او شده است. و او تا ابد حکم خواهد راند.» ۱۶ و آن بیست و چهار پیر که در پیشگاه خدا بر تخت می‌نشینند، روی بر خاک نهادند و خدا را نیایش کرده، ۱۷ گفتند: «تو را سپاس می‌گوییم ای خداوند خدای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی. زیرا که قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و سلطنت آغاز کرده‌ای. ۱۸ قومه‌ها خشمگین بودند، و اینک زمان خشم تو فرا رسیده است، زمان آن رسیده که مردگان داوری شوند، و خادمان تو، انبیاء، پاداش بگیرند، هم مقدسین و هم آنان که حرمت نام تو را نگاه می‌دارند، از خرد و بزرگ، و کسانی که زمین را به نابودی کشانده‌اند نابود گردند.» ۱۹ **آنگاه معبد خدا در آسمان گشوده شد؛ و صنوبری عهد او در درون معبد مشهود افتاد؛ و ناگهان برقی آذرخش بود که برمی‌خاست و بانگ و غوغا بود و عرش رعد بود که به گوش می‌رسید و زمین لرزه بود و تگرگ بی‌امان بود که پدید می‌آمد.****

در این نقطه، یوحنا رؤیایی را می‌بیند که سرشار از تصاویر روشن و آشنا از آیین‌های پرستشی است. در این رؤیا، معبدی در آسمان به او نشان داده می‌شود و از او خواسته می‌شود آن را اندازه‌گیری کند (آیه ۱ از فصل ۱۱). این معبد دارای قربانگاه و پرستش‌کنندگانی است. هدف از این رؤیا آن است که نشان دهد در پایان زمان، جلال خدا آشکار خواهد شد - زیرا خدا در معبد خود ساکن است. بی‌ایمانان اجازه خواهند یافت تا حدی به کلیسا نزدیک شوند (حیات غیر یهود در بیرون از معبد، آیه ۲)، و در واپسین روزهای پایان جهان، ایمانداران را به شدت

آزار خواهند داد؛ اما جلال خدا در مکان سکونت او - یعنی آسمان - در امان خواهد بود، و برگزیدگان او در روز واپسین به آنجا برده خواهند شد تا در امنیت و آرامش با او ساکن شوند.

این‌که آیا این رؤیا واقعاً از وجود معبدی حقیقی در آسمان سخن می‌گوید یا نه، موضوعی مورد اختلاف در میان الهی‌دانان است. برخی آن را تنها نمادی از حضور خداوند می‌دانند. اما خواه این معبد واقعی باشد و خواه نمادین، چیزی از تأکید این بخش بر جنبهٔ پرستشی و عبادتی آن نمی‌کاهد. حضور خداوند، حضوری قدوس است. ما در آسمان در حضور خدا خواهیم بود، و حتی در این سوی آسمان نیز، این حضور از طریق جسم عیسی مسیح به ما عطا شده است (نگاه کنید به یوحنا ۱: ۱۴، آنجا که گفته می‌شود: «او در میان ما خیمه زد» - یعنی در میان ما ساکن شد. این اصطلاح، زبان حضور خدا در خیمه و معبد است). همچنین در شام خداوند، او بهرآستی در میان ما حاضر می‌شود و در ما ساکن می‌گردد (به آیهٔ ۹۱ توجه کنید، جایی که این مضمون از طریق اشاره به تابوت عهد تکرار می‌شود). این تأکید بر حضور مستقیم خدا در آسمان و حضور واسطه‌دار او در زمین از طریق نان و شراب، ما را فرامی‌خواند تا آیین‌های پرستشی‌ای بنا کنیم که بر محور حضور خداوند شکل گرفته‌اند - نه آن‌که در مسیر ساده‌سازی‌های عوام‌پسند که در عبادت‌های به‌اصطلاح «معاصر» رایج است، منحرف شوند.

زن و ارژدها

آیات ۱ تا ۶ از فصل ۱۲ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش، زنی را به تصویر می‌کشد - که نمایانگر کلیساست - در بیابان، جایی که نماد آزار و جفاهای دوران واپسین است. این زن، کودکی به دنیا می‌آورد که نجات‌دهنده است. هدف از این رؤیا آن است که نشان دهد کلیسا، در بیابان دوران آخر، تحت حفاظت خدا قرار دارد.

سقوط شیطان بر زمین

آیات ۷ تا ۱۷ از فصل ۱۲ نیز در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش، رؤیایی از شکست شیطان به‌دست خون بره را ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه او کلیسا را - که همان زن در بیابان است - تعقیب و آزار می‌دهد.

دو وحش

۱۲:۵ به وحش دهانی داده شد تا سخنان نخوت‌بار و کفرآمیز بگوید، و اجازه یافت تا اقتدار خود را چهل و دو ماه به کار ببرد. ۶ پس دهان خود را به کفرگویی بر خدا گشود و به نام او و به مسکن او، یعنی آنان که در آسمان می‌زیند، اهانت کرد.

بیشتر بخش این فصل کنار گذاشته شده است. با این حال، آیات ۵ و ۶ گنجانده شده‌اند، زیرا تصویر متضاد پرستش راستین را نشان می‌دهند: وحش نخست، با گستاخی، سخنانی کفرآمیز و توهین‌آمیز علیه خدا و نام او بر زبان می‌آورد. این وحش اول می‌تواند خود شیطان باشد یا فرستاده‌ای از سوی او. وحش دوم - که به احتمال زیاد همان ضد مسیح است - نشان خود را بر بی‌ایمانان می‌گذارد. بسیاری در مورد ماهیت این نشان گمانه‌زنی کرده‌اند. هر چند ما با قطعیت از چیستی آن آگاه نیستیم، اما آنچه مسلم است، آن است که این نشان، ضد تعمیم شیطان است. آیین مقدس تعمیم، ما را با مهر الهی، فرزندان خدا معرفی می‌کند. و شیطان با تقلیدی شیطانی، تلاش می‌کند نشانی از خود پدید آورد تا آن را جایگزین این مهر آسمانی سازد.

بره و صد و چهل و چهار هزار نفر

۱۴:۱ *آنگاه همین که نظر کردم، آن بره را دیدم بر کوه صهیون ایستاده با یکصد و چهل و چهار هزار تن که نام او را و نام پدر او را بر پیشانی نوشته داشتند. ۲ و صدایی از آسمان شنیدم پرخروش چون آبهای پر شتاب؛ و غرآن چون رعد؛ آن صدا که شنیدم به صدای جنگ‌نوازان می‌مانست آنگاه که جنگ بنوازند. ۳ و سرودی تازه سر دادند در پیشگاه آن تخت و در حضور آن چهار موجود زنده و آن پیران. و آن سرود را هیچ‌کس نتوانست بیاموزد، مگر آن یکصد و چهل و چهار هزار تن که از میان زمینیان خریده شده بودند. ۴ اینان همان کسانی که خود را آلوده زنان ساختند، زیرا که باکره‌اند. اینان راه بره را دنبال می‌کنند هر کجا که برود. اینان از میان آدمیان خریده شدند و به عنوان نویر بر خدا و بره عرضه شدند. ۵ هیچ دروغی در دهانشان یافت نشد. اینان بری از هر عیبند.*

یکبار دیگر به آستانه پایان زمان نزدیک می‌شویم. آنچه در این بخش از نظر پرستشی قابل توجه است، نشانی است که بر پیشانی فرزندان خدا نهاده می‌شود. این نمادگرایی در آیین عبادی کلیسا نیز بازتاب یافته است، آنگاه که در هنگام تعمیم، چه بر کودک و چه بر بزرگسال، علامت صلیب بر پیشانی و بر قلب او ترسیم می‌گردد (ر.ک به فصل ۷، آیه ۱ به بعد و توضیحات مربوط به عدد صد و چهل و چهار هزار نفر).

پیام‌های سه فرشته

۶ *آنگاه فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می‌کرد و انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را بشارت دهد، از هر قوم و طایفه و زبان و ملت که باشند. ۷ هم او به آواز بلند گفت: «راز خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داورى او*

فرا رسیده است. او را ببرستید که آسمانها و زمین و دریا و چشمه‌ساران را او آفرید». ۸ و فرشته دومی از پی او آمد و گفت: «سقوط کرد! بابل بزرگ سقوط کرد! آن که از شراب عقل‌سوز زنای خود به همه ملت‌ها نوشانید». ۹ و فرشته سومی از پی آن دو آمد و به آواز بلند گفت: «اگر کسی آن وحش و آن تمثال او را ببرستد و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود ببیزد، ۱۰ آن کس نیز از شراب خشم خدا که اینک پرمایه و خالص در جام غضب او ریخته شده، خواهد نوشید. آن کس نیز در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره با گوگرد مشتعل عذاب خواهد شد. ۱۱ و دود عذاب آنان تا ابد به بالا خواهد رفت. برای آنان که آن وحش و آن تمثال او را می‌پرستند و برای آنان که نشان نام او را می‌پذیرند، نه در شب و نه در روز آسایش نخواهد بود». ۱۲ این پایداری مقدسین را می‌طلب که احکام خدا و ایمان به عیسی را حفظ می‌کنند. ۱۳ آنگاه آوازی از آسمان شنیدیم که می‌گفت، «بنویس: خوشا به حال آنان که از این پس در خداوند می‌میرند». و روح گفت: «آری آنان از رنج خود خواهند رست، زیرا که اعمالشان از پی آنها خواهد آمد!».

در این بخش، پیام انجیل به تصویر کشیده می‌شود که تا دورترین نقاط زمین انتشار می‌یابد، حتی در حالی که پایان زمان در پیش است. آنچه از منظر پرستشی قابل توجه است، نوشیدن شراب خشم خدا از سوی بی‌ایمانان است (آیه ۹). شراب، هم به عنوان نشانه‌ای برای برگزیدگان به‌کار می‌رود - آنان که در شام مقدس، خون مسیح را از طریق شراب دریافت می‌کنند - و هم به عنوان نمادی از نابودی برای بی‌ایمانان، چراکه داوری نهایی به‌صورت پایمال کردن چرخشت خشم الهی توصیف شده است، جایی که شراب سرخ نماد خون بی‌ایمانان است. در سراسر کتاب مقدس، و به‌ویژه در کتاب مکاشفه، ارجاعات متعدد به شراب همگی نشانه‌هایی هستند به آیین مقدس شام خداوند.

فصل ۱۴: آیه‌های ۱۴ تا ۲۰ - درو شدن زمین

آیات ۱۴ تا ۲۰ از فصل ۱۴ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش، پایان جهان را با تصویر پایمال کردن چرخشت شراب توصیف می‌کند.

فصل ۱۵ - هفت فرشته با هفت بلا

۱۵:۱ یک نشانه عظیم و حیرت‌زای دیگر نیز در آسمان دیدم: و آن هفت فرشته بود با هفت بلای نهایی - نهایی از آن رو که با آنها خشم خدا کامل می‌شد. ۲ و چیزی دیدم که به دریایی از شیشه می‌مانست که با آتش درآمخته شده باشد، و در کنار دریا

کسانی را ایستاده دیدم که بر آن وحش و بر تمثال او و بر عدد نام او پیروز شده بودند. اینان جنگهایی به دست داشتند که خدا به آنان داده بود. ۳ و سرود خادم خدا، موسی، را می خواندند و سرود آن بده را که: «عظیم و حیرت‌ناست کارهای تو، ای خداوند خدای قادر مطلق. عدل و حق است راههای تو، ای پادشاه همه اعصار. ۴ کیست که از تو نترسد، ای خداوند، و نام تو را جلال ندهد؟ زیرا تو، و تنها تو، قنوسی. همه قومها خواهند آمد و در پیشگاه تو به پرستش خواهند ایستاد زیرا که کارهای عادلانه تو اکنون آشکار شده است.» ۵ پس از آن دیدم که معبد، یعنی خیمه شهادت، در آسمان گشوده شد. ۶ و هفت فرشته که حامل هفت بلا بودند از آن بیرون آمدند. و فرشتگان کتان پاکیزه و درخشان به تن و شالی زرین به دور سینه داشتند. ۷ آنگاه یکی از آن چهار موجود زنده، هفت پیاله زرین به آن هفت فرشته داد، آکنده از خشم خدایی که تا ابد زنده است. ۸ و معبد به جلال و قدرت خدا آکنده از بود شد، و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید هیچ‌کس نتوانست به معبد درآید.

این بخش، آخرین چرخه هفت‌تایی را معرفی می‌کند: هفت کاسه خشم خدا. این متن واجد ویژگی‌هایی پرستشی است. هفت فرشته‌ای که کاسه‌های خشم خدا را با خود دارند، از قدس آسمانی بیرون می‌آیند (آیه ۵). آنان جامه‌هایی سفید و نوارهایی زرین بر تن دارند - پوششی کاملاً آئینی و پرستشی (آیه ۶). قدس، جایگاه سکونت جلال خداوند است، چنان‌که آیه ۸ به روشنی بیان می‌دارد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، صحنه دآوری نهایی و خانه ابدی ما در آسمان، فضایی رسمی دارد که بسیار شبیه‌تر به پرستش‌های سنتی و تاریخی است تا آیین‌های به اصطلاح «معاصر» در جهان امروز. و بار دیگر، خدا را می‌بینیم که در قصری پرشکوه و سزاوار برترین ستایش‌ها و زیباترین تزیینات ساکن است، نه در کلبه‌ای ساده و مردمی که محتاج چیدمانی معمولی و نغمه‌هایی محاوره‌ای باشد.

فصل ۱۶ - هفت کاسه خشم خداوند

آیات ۱ تا ۲۱ از فصل ۱۶ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش، ریخته‌شدن هفت کاسه خشم الهی را به تصویر می‌کشد و موضوع معبد را که از فصل ۱۱ آغاز شده و در بخش پیشین ادامه یافته بود، پی می‌گیرد. در این میان، آیه‌ای شگفت‌انگیز وجود دارد که در آن، قربانگاه خدا سخن می‌گوید (آیه ۷)، و این خود بر اهمیت نقش قربانگاه و معبد در کتاب مکاشفه و در تاریخ مسیحیت می‌افزاید؛ نقشی که باید در پرستش کلیسای مسیحی نیز برجسته و نمایان باشد. از همین‌روست که جای نگرانی دارد وقتی کلیساهایی چون ویلو کریک - که به عنوان الگویی برای جنبش‌های معاصر پرستشی مطرح‌اند - به نبود قربانگاه و دیگر نشانه‌های سنتی و عبادی در پرستش خود افتخار می‌کنند.

بخش چهارم فصول ۱۷ تا ۱۸

نابودی فاحشه، پیروی از خدایان بیگانه، و دلیل بستن نرده‌ شام مقدس

فصل ۱۷ - فاحشه بزرگ و وحش

۱۱:۱ آنگاه از آن هفت فرشته که آن هفت پیاله را در دست داشتند یکی پیش آمد و با من گفت: «بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ لمیده بر آبهای بسیار را نشانت دهم. ۲ با او بود که پادشاهان زمین زنا کردند و از شراب هم‌آغوشی‌های او بود که ساکنان زمین مست شدند». ۳ پس آن فرشته مرا در روح به بیابانی برد. در آنجا زنی دیدم نشسته بر پشت وحشی سرخ‌قام که پیکرش یکسره با نامهای کفرآمیز پوشیده شده بود، و هفت سر و ده شاخ داشت. ۴ و زن جامه سرخ و ارغوانی بر تن داشت و در برق طلا و جواهر و مروارید می‌درخشید. جامی زرین به دست داشت سرشار از همه زشتیها و آکنده از ناپاکی هم‌آغوشی‌هایش. ۵ و این نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود: «بابل بزرگ، مادر فواحش و زشتیهای زمین». ۶ و دیدم که زن مست از خون مقدسین و خون شهدای عیسی است. همین که او را دیدم سخت در شگفت شدم. ۷ فرشته به من گفت: «شگفتی تو از چیست؟ راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن سوار بر اوست، برایت شرح خواهم داد. ۸ آن وحش که دیدی، زمانی بود، اکنون نیست، و به‌زودی از هاویه بر خواهد آمد و به هلاکت خواهد رسید. از ساکنان زمین آنان که نامشان از بدو آفرینش جهان در دفتر حیات ثبت نشده است، از دیدن آن وحش در شگفت خواهند شد، زیرا که زمانی بود، اکنون نیست، و با این همه، خواهد آمد. ۹ «این همه را ذهن حکیمی می‌طلبد تا دریابد. آن هفت سر، هفت کوهند که آن زن بر آنها قرار دارد. همانها هفت پادشاه نیز هستند. ۱۰ از آنان پنج تن سقوط

کرده‌اند، یکی باقی است و آن آخری هنوز نیامده است؛ اما وقتی که بمواقع بیاید، باید اندک زمانی بیاید. ۱۱ آن وحش که زمانی بود و اکنون نیست، پادشاه هشتم است. او به همان هفت تن تعلق دارد و به هلاکت خود می‌رسد. ۱۲ «آن ده شاخ که دیدی، تم پادشاهند که هنوز به پادشاهی نرسیده‌اند. اما در مهلتی یک ساعته از قدرت شاهان برخوردار خواهند شد، با آن وحش. ۱۳ آنان همگی یک هدف دارند و زور و قدرت خود را به وحش خواهند سپرد. ۱۴ همگی با آن بره به جنگ بر خواهند خاست، اما بره بر آنان پیروز خواهد شد، زیرا او رب ارباب و شاه شاهان است - و خوانده‌شدگان او با او خواهند بود، و برگزیدگان او با او خواهند بود، و پیروان وفادار او با او خواهند بود». ۱۵ آنگاه فرشته با من گفت: «آن آبها که دیدی، که فاحشه بر آنها قرار دارد، همانا ملت‌ها و جماعت‌ها و قوم‌ها و زبان‌ها هستند. ۱۶ آن وحش و آن ده شاخ که دیدی، از فاحشه بیزار خواهند شد. او را نابود خواهند کرد و عریان‌ها خواهند نمود. گوشت او را خواهند خورد و او را در آتش خواهند سوزاند. ۱۷ زیرا که خدا در دل آنها نهاده است که خواست او را برآورند و با رضای خاطر عنان قدرت و حکومت خود را به دست آن وحش بسپارند، تا آنگاه که کلام خدا به تمامی تحقق یابد. ۱۸ و آن زن که دیدی همان شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین حکومت می‌کند».

این بخش، فاحشه بزرگ را به ما نشان می‌دهد (آیه ۱) که نماد تمام کسانی است که در طول تاریخ، در برابر بره ایستاده‌اند؛ بنابراین، او تجسم همه بی‌ایمانان است. وحشی که او بر آن سوار است، همان وحش فصل ۱۳ می‌باشد و نمایانگر قدرت دنیوی است. تصویرپردازی مربوط به فاحشه‌گری، پیوندی عمیق با مفهوم عبادت دارد. در خدمت مقدس، خدا از طریق نان و شراب شام خداوند با ما پیوند می‌بندد. خدای ما خدایی غیور است و نمی‌خواهد که ما با شیطان و گناه بازی کنیم. سفره خداوند، جایگاه پیوند زناشویی ما با خداست، و او خیانت را تحمل نمی‌کند.

این تصویر از خیانت و زنا نسبت به خدا، درک موضع تاریخی کلیسای جامع و نیز دیدگاه کلیسای لوتری اعترافی درباره شام مقدس بسته را روشن‌تر می‌سازد. ما به کسانی که بدن مسیح را تشخیص نمی‌دهند (مطابق اول قرنیتیان ۱۱)، اجازه مشارکت در شام مقدس نمی‌دهیم، زیرا چنین مشارکتی، در حقیقت پیوندی دروغین و نوافاداری نسبت به خداست. این امر نزد خداوند امری بس جدی و پر اهمیت است! او نمی‌خواهد بدن مقدس خویش به‌سادگی در اختیار هر رهگذری قرار گیرد، چه تام باشد، چه دیک، چه هری یا جین. بر این اساس، ما تنها با کسانی مشارکت می‌کنیم که به‌درستی در آموزه‌های کتاب مقدسی تعلیم یافته‌اند - یعنی

کسانی که در کلیسای لوتری اعترافی تأیید و تثبیت شده‌اند. گرچه این روش، عاری از نقص مطلق نیست، اما بهترین شیوه‌ای است که در اختیار داریم و از این‌رو، باید با وفاداری کامل در تمامی کلیساهای لوتری اعترافی (CLI) اجرا شود.

دقت کنید که این فاحشه بزرگ، که نماد پادشاهی دروغین شیطان است، دارای ویژگی‌هایی است که از لحاظ ساختاری مشابه، اما از لحاظ معنایی در تضاد کامل با عبادت مسیح هستند. شیطان، همان وحشی که این زن بر آن سوار است (آیه ۳)، آکنده از نام‌هایی است؛ همان‌گونه که مسیح در کتاب اشعیا و دیگر بخش‌های کتاب مقدس با القابی چون «مُشیر، شگفت‌انگیز»، «سرور سلامتی» و «خدای قدیر» شناخته می‌شود، اما نام‌های شیطان کفرآمیز و توهین‌آمیزند - نوعی استهزا و تمسخر نسبت به مسیح. افزون بر آن، او به شکل وحش ظاهر می‌شود، در حالی که مسیح همچون برده‌ای فروتن است. مسیح، جامی از آمرزش را که از خون او پُر است به ما تقدیم می‌کند؛ اما فاحشه، جامی از پلیدی‌ها و زشتی‌های اخلاقی را به جهان عرضه می‌دارد (آیه ۴). همه ما در تعمید، نشان صلیب مقدس را بر پیشانی دریافت می‌کنیم؛ اما بر پیشانی این زن، نام «پلیدی» حک شده است (آیه ۵). مسیح، خون خود را در راه ما بر صلیب قربانی کرد و آن را به‌رایگان در شام مقدس به ما می‌بخشد؛ اما آن زن فاحشه، نه خون خود را می‌دهد و نه خود را فدا می‌کند، بلکه خون مقدسان شهید را می‌نوشد (آیه ۶).

فصل ۱۸ - سقوط بابل

آیات ۱ تا ۲۴ از فصل ۱۸ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند، چراکه در این بخش اشاره‌ای آشکار به مفاهیم پرستشی دیده نمی‌شود. این قسمت، روایت نابودی نهایی زمین را از منظر شرارت و گناه حاکم بر قلمرو تجارت بازگو می‌کند. در سراسر عهد عتیق و نیز در سخنان عیسی، یکی از نشانه‌های ایمان راستین، شیوه رفتار با فقراست. تجارت به‌خودی‌خود گناه‌آلود نیست، اما طبیعت گناه‌آلود ما، شرارت بسیاری را در این عرصه پدید آورده است. یوحنا در این بخش، رؤیایی دریافت می‌کند از ویرانی دنیای تجارت و پایان کار شیطان در بهره‌برداری خودخواهانه از آن.

بخش پنجم فصول ۱۹ تا ۲۲

شام خداوند، وضعیت نیایشی و نگرش باوقار در آسمان و زمین جدید

فصل ۱۹: آیات ۱ تا ۱۰ - ضیافت عروسی بره

۱۹:۱ پس از آن، صدایی شنیدیم که به خروش جماعتی عظیم در آسمان می‌مانست، که می‌گفتند: «هَلِّلُویاه! نجات و جلال و قدرت از آن خدای ماست، ۲ که داور بیهایش حق است و عدل است. آن فاحشه بزرگ را جزا داده که زمین را با زنایش به فساد کشید، و از او انتقام خون بندگان خود را گرفته است.» ۳ و بار دیگر گفتند: «هَلِّلُویاه! تا ابد دود از او برمی‌خیزد.» ۴ و آن بیست و چهار پیر و آن چهار موجود زنده به خاک افتادند و خدای را که بر تخت نشسته بود، پرستش کردند و بانگ برآوردند که: «آمین. هَلِّلُویاه!» ۵ آنگاه صدایی از تخت برآمد که می‌گفت: «سپاس گویند خدای ما را، ای همه بندگان او، ای شما که ترس از او دارید، از خُرد و از بزرگ!» ۶ آنگاه صدایی شنیدیم که به خروش جماعتی عظیم می‌مانست، و به غرش آبهای فراوان، و به بانگ بلند رعد، که می‌گفت: «هَلِّلُویاه! زیرا که خداوند خدای ما، آن قادر مطلق، سلطنت آغاز کرده است. ۷ به وجد آییم و شادی کنیم، و او را جلال دهیم، زیرا زمان عروسی آن بره فرا رسیده، و عروس او خود را آماده ساخته است؛ ۸ جامه کتان نفیس و درخشان و پاکیزه به او بخشیده شد تا به تن کند.» جامه کتان نفیس، اعمال پارسایانه مقدسین است. ۹ آنگاه فرشته به من گفت: «بنویس: خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی آن بره دعوت می‌شوند.» و افزود: «اینها کلام راستین خداوند!» ۱۰ در این لحظه بود که به پایش افتادم تا او را ببرستم. اما او به من گفت: «مبادا چنین

کنی! چون من نیز همچون تو و برادران تو ه شهادت عیسی را نگاه می‌دارند، غلام
اویم. خدا را بپرست! زیرا شهادت عیسی، روح نبوت است».

اکنون روایت به سوی پایان خود پیش می‌رود. پیش از آن‌که شیطان برای همیشه به دوزخ افکنده شود، دعوتی فراگیر برای تمامی ایمانداران صادر می‌شود تا در ضیافت باشکوه عروسی در ابدیت حاضر شوند. بار دیگر شاهد به‌کارگیری اصطلاحات سنتی و پرستشی هستیم: «هللویاه»، «آمین» و نیز حالت‌های سنتی عبادت همچون خم شدن و زانو زدن (آیات ۳، ۴، ۶ و ۱۰). ضیافت عروسی بره در ابدیت، تحقق نهایی شام خداوند در این جهان است. پرستش‌های معاصر و غیرلیتورژیک، ذاتاً قصد بی‌اهمیت جلوه‌دادن شام خداوند را ندارند، اما در عمل، اغلب چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود؛ زیرا هدف اصلی بسیاری از پرستش‌های معاصر، تجهیز افراد برای زندگی روزمره مؤثر است، نه وارد ساختن آنان به حضور بره در شام او. آماده‌سازی سفره‌ای چنین عظیم - یعنی همان بدن و خون خداوند برای آمرزش گناهان - در ذات خود، نیازمند چیدمانی پرشکوه، غنی و سنجیده است؛ یعنی همان لیتورژی. ما، میهمانان این ضیافت، از سوی خدا جامه‌های سفید بر تن داریم (آیه ۸) - جامه‌های باشکوه پارسایی مسیح که به واسطه مرگ او بر صلیب برای ما حاصل شده است. و چون این جامه‌ها را از خدا پوشیده‌ایم، طبیعی است که این ضیافت، نه همچون غذایی ساده و ارزان یا یک چیزرگر دو لایه با سیب‌زمینی، بلکه شبیه به ضیافتی باشکوه و چند بخشی در مهم‌ترین کاخ‌های جهان خواهد بود.

فصل ۱۹: آیات ۱۱ تا ۲۱ - سوار بر اسب سفید

آیات ۱۱ تا ۲۱ از فصل ۱۹ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخش تصویری از قهرمان ما، عیسی مسیح، ارائه می‌دهد که سوار بر اسبی سفید به میدان می‌آید و دشمنان کلیسا را نابود می‌سازد.

فصل ۲۰ - هزار سال، شکست شیطان و داوری نهایی

آیات ۱ تا ۱۵ از فصل ۲۰ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند. این بخشی جزئیاتی درباره هزار سال صلح پیش از داوری نهایی بر شیطان ارائه می‌دهد. ما اکنون در همین دوره هزار ساله زندگی می‌کنیم - دورانی که با گفتن «تمام شد» از سوی مسیح آغاز شد. در آن لحظه، شیطان شکست خورد و به وسیله کلام انجیل بسته شد. اما در واپسین لحظات این عصر، برای مدت کوتاهی آزاد خواهد شد، پیش از آن‌که برای همیشه در دوزخ محبوس گردد.

فصل ۲۱ - آسمان نو، زمین نو و اورشلیم جدید

۲۱:۱ سپس آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان اول و زمین اول سپری شده بود و دیگر دریایی وجود نداشت. ۲ و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان از نزد خدا پایین می‌آمد، آماده شده همچون عروسی که برای شوهر خود آراسته شده باشد. ۳ و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: «اینک، مسکن خدا با آدمیان است، و او با آنها ساکن خواهد شد؛ و ایشان قوم او خواهند بود، و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود. ۴ او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد». ۵ سپس آن تخت‌نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می‌سازم». و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان درخورد اعتماد است و راست است». ۶ باز به من گفت: «به انجام رسید! من 'الف' و 'ی' و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات بهر آبگانه خواهم داد. ۷ هر که غالب آید، این همه را به میراث خواهد برد، و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. ۸ اما نصیب بزدلان و بی‌ایمانان و مفسدان و آدمکشان و بی‌عفتان و جادوگران و بت‌پرستان و همه دروغگویان، دریاجه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوم است». ۹ یکی از آن هفت فرشته که هفت پیمانه پر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا! من عروس، یعنی همسر تیره را به تونشان خواهم داد». ۱۰ آنگاه مرا در روح به فراز کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از نزد خدا فرود می‌آمد. ۱۱ جلال خدا از آن می‌تابید و درخشندگیش مانند گوهری بسیار گرانبها، همچون یشم، و به شفافیت بلور بود (آیات ۱۲ تا ۱۷ در اینجا کنار گذاشته شده‌اند؛ این بخش شامل جزئیات بیشتری درباره اورشلیم آسمانی است). ۱۸ دیوار شهر از یشم ساخته شده بود، و شهر از طلای ناب و مانند شیشه شفاف بود. ۱۹ پی دیوار شهر با هرگونه گوهر گرانبها تزیین شده بود. پی اول از یشم بود، دومین از لاجورد، سومین از عقیق سفید، چهارمین از زمرد، ۲۰ پنجمین از عقیق سرخ، ششمین از عقیق آتشین، هفتمین از زبرجد، هشتمین از یاقوت کبود، نهمین از یاقوت زرد، دهمین از عقیق سبز، یازدهمین از فیروزه و دوازدهمین از لعل بنفش. ۲۱ دوازده دروازه شهر، دوازده مروراید بودند، یعنی هر یک از دروازه‌ها یک مروراید بود. و میدان شهر از طلای ناب و مانند شیشه شفاف بود. ۲۲ معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوند خدای قادر مطلق و تیره، معبد آن هستند. ۲۳ و شهر نیازی به خورشید و ماه ندارد که بر آن بتابند زیرا جلال خدا آن را روشن می‌کند و بره چراغ آن است. ۲۴ و قومها در نور آن سلوک خواهند کرد و پادشاهان زمین، جاه و جلال خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه‌های آن هرگز در

روز بسته نخواهد شد، زیرا در آنجا شب وجود نخواهد داشت. ۲۶ فقر و شکوه قومها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ اما هیچ چیز ناباک و هیچکس که مرتکب اعمال قبیح و فربیکاری شود، به هیچ روی وارد آن نخواهد شد، فقط کسانی که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است، بدان راه خواهند داشت.

ما قوم خدا هستیم، اورشلیم جدید (فیلیپیان ۳: ۳). ما همچون عروسی آراسته شده‌ایم برای شوهر خود، در جامه‌های سفید روان که نماد بخشایش مسیح است (آیه ۲). مسیح، داماد آسمانی، در شام خود به نزد ما می‌آید. من در طی سال‌ها با صدها عروس کار کرده‌ام، و بدون استثناء، هر یک از آنان با دقت و وسواس بسیار خود را برای روز عروسی آماده کرده‌اند تا در نظر داماد، بی‌نقص و کامل باشند. ما نیز باید به همان شیوه به لیتورژی ضیافت عروسی خداوند نزدیک شویم و به تمامی جزئیات توجه کنیم، نه اینکه با نگرشی غیررسمی و به اصطلاح «معاصر» به پرستش خداوند بنگریم (ر.ک. متی ۱۱: ۲۲-۱۴، مثل مردی که جامه عروسی نداشت).

جلال درخشان خداوند (آیات ۱۱-۱۲) ما را به یاد این حقیقت می‌اندازد که گرایش رایج در زمانه ما به نگرستن به خدا به عنوان «دوستی صمیمی» که منجر به پرستش‌هایی غیررسمی و معاصر با لیوان‌های قهوه استارباکس در دست می‌شود، چندان در شان خدای حقیقی نیست. توصیف شکوهمند خداوند و جزئیات مربوط به پوشش، حالت‌های پرستشی و سرودهای همراه با آن نشان می‌دهد که هر چند خدا در مسیح با ما دوستی می‌ورزد، اما شایسته است که او را با حرمت، وقار و هیبتی پرستش کنیم که فرهنگ عامه توان بیان یا بازتاب آن را ندارد. توصیف پُرشکوه شهر مقدس نیز بر همین نکته تأکید دارد.

فصل ۲۲ - نهر حیات و بازگشت موعود

۲۲:۱ آنگاه نهر آب حیات را به من نشان داد که همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و بره جاری می‌شد ۲ و از وسط میدان شهر می‌گذشت. در دو طرف نهر، درخت حیات بود که دوازده بار میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. و برگهای آن برای شفای قومها بود. ۳ و دیگر هیچ لعنتی وجود نخواهد داشت. تخت خدا و تخت بره در آن شهر خواهد بود و خادمانش او را خواهند پرستید. ۴ آنها روی او را خواهند دید و نام او بر پیشانی آنها خواهد بود. ۵ و دیگر شب وجود نخواهد داشت و آنها به نور چراغ یا خورشید نیازمند نخواهند بود، زیرا خداوند خدا به آنها روشنایی خواهد بخشید. و آنها تا ابد سلطنت خواهند کرد. ۶ فرشته به من گفت: «این سخنان درخور اعتماد است و

راست است. خداوند، خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا آنچه را که می‌باید زود واقع شود، به خادمان خود باز نماید». ۷ «اینک به‌زودی می‌آیم! خوشا به حال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه می‌دارد». ۸ من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را دیدم و شنیدم. و پس از دیدن و شنیدن آنها، پیش پایهای آن فرشته که آنها را به من نشان داده بود، افتادم تا سجده کنم. ۹ اما او به من گفت: «مبادا چنین کنی! من نیز همچون تو و برادران تو، انبیا، و آنان که کلام این کتاب را نگاه می‌دارند، خادم اویم. خدا را بپرست». ۱۰ آنگاه به من گفت: «کلام نبوت این کتاب را مهر نکن زیرا وقت نزدیک است. ۱۱ پس شخص بدکار، به بدی کردن ادامه دهد و مفسد، همچنان به فساد بپردازد؛ نیکوکار، به نیکویی کردن ادامه دهد و مقس، همچنان مقس بماند». ۱۲ «اینک به‌زودی می‌آیم و پاداش من با من است تا به هر کس بر حسب اعمالش جزا دهم. ۱۳ من 'الف' و 'ی'، اول و آخر، و ابتدا و انتها هستم». ۱۴ خوشا به حال آنان که ردای خود را می‌شویند تا حق دسترسی به درخت حیات را پیدا کنند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند. ۱۵ سگها و جادوگرها و بی‌عتقان و آدمکشان و بت‌پرستان و همه کسانی که دروغ را دوست می‌دارند و آن را به عمل می‌آورند، بیرون می‌مانند. ۱۶ «من، عیسی، فرشته خود را نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کند. من ریشه و نسل داوود و ستاره درخشان صبح هستم». ۱۷ روح و عروس می‌گویند: «بیا!» هر آن که می‌شنود بگوید: «بیا!» هر که تشنه است بیاید؛ و هر که طالب است، از آب حیات بهر ایگان بگیرد. ۱۸ من به هر کس که کلام نبوت این کتاب را می‌شنود هشدار می‌دهم که اگر کسی چیزی بدان بیفزاید، خدا بلاهای نوشته شده در این کتاب را بر او خواهد افزود. ۱۹ و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقس، که در این کتاب درباره آنها نوشته شده است، بی‌نصیب خواهد ساخت. ۲۰ آن که بر این امور شهادت می‌دهد، چنین می‌گوید: «آری، به‌زودی می‌آیم». آمین. بیا، ای خداوند عیسی! ۲۱ فیض خداوند عیسی با همه شما باد. آمین.

تصویر پایانی این کتاب، شباهت بسیاری به صحنه خدمت عبادی دارد. همان‌گونه که مرکز آسمان، تخت خداوند است، در محراب کلیسا نیز، قربانگاه خدا در مرکز قرار دارد - جایی که حضور او از آن ساطع می‌شود، در بدن و خون حقیقی پسرش (آیه ۱). پرستش در آسمان، پرشکوه و غنی است؛ از این‌رو، شکل‌های پرستشی ما بر زمین نیز باید به همان اندازه، باشکوه و پربار باشند (آیه ۳). هرچند فرهنگ امروز مرزها را در هم می‌ریزد - میان زن و مرد، کودک و والد (مانند

موضوع «حقوق کودکان»، انسان و حیوان و ... - اما بر اساس کتاب مقدس، به جا و شایسته است که این تمایزها حفظ شوند. سگ‌های بی‌ایمان از شرکت در عبادت شام مقدس بیرون نگاه داشته می‌شوند (آیات ۱۵-۱۴). آنان درک نمی‌کنند که بدن و خون خداوند بهرآستی در آیین شام مقدس حاضر است. ما خود، طبق طبیعت گناه‌آلودمان، همان سگ‌ها هستیم؛ اما با پارسایی مسیح پوشانده شده‌ایم و از این رو، به ضیافت شام پذیرفته شده‌ایم. ما باید بی‌ایمانان را به کلیسا بیاوریم، اما این بدین معنا نیست که آیین پرستش را ساده‌سازی کنیم تا به فرهنگ بت‌پرستانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم شبیه شود. عبادت کلیسایی، نه برای مقاصد بشارتی طراحی شده، بلکه ضیافت عروسی برای کسانی است که جامهٔ پارسایی مسیح را به‌درستی بر تن دارند. بشارت‌دادن، بیشتر در دیدارهای فردی و در فضاهای غیررسمی ثمربخش‌تر است. امروزه کلیساهای بسیاری، شکل پرستش خود را با الگوگیری از صداهای خوشایند فرهنگ عامه تنظیم می‌کنند تا مردم‌پسند باشند. اما این، راه کتاب مقدس نیست. همان‌گونه که در کتاب مکاشفه دیدیم، پرستش مسیح - با آن لباس‌ها، زانو زدن‌ها، دعاها و جزئیات خاص خود - کاملاً متفاوت از زندگی روزمره است.

این بخش همچنین به روشنی نشان می‌دهد که پرستش امری اختیاری نیست (آیه ۹). در آن، بر عمل آیینی و پوشش پرستشی تأکید شده است (آیات ۸ و ۱۴) و زیبایی شاعرانه‌ای را که مشخصهٔ لیتورژی است به تصویر می‌کشد (آیه ۱۳، به موازات‌سازی توجه کنید - یعنی بیان یک مفهوم با واژگانی گوناگون).

نتیجه‌گیری

کتاب مکاشفه بهروشنی نشان می‌دهد که رویکردی منظم و لیپتورژیک به پرستش و ستایش بره ذبح‌شده، کاملاً شایسته و بایسته است. واپسین کلمات این کتاب نیز ماهیتی عبادی و آیینی دارند. همان‌گونه که کتاب با نیایشی لیپتورژیک آغاز شد، با دعایی عبادی و برکتی رسمی به پایان می‌رسد. باشد که فیض خداوند بر شما باشد، در حالی که در درک و ارزش‌گذاری شکل‌های پرستشی موجود در این کتاب پُرابهت و شگفت‌انگیز، و در سراسر کتاب مقدس، روز به روز بیشتر رشد می‌کنید.

کتاب مکاشفه به روشنی نشان می‌دهد که
رویکردی منظم و لیتورژیک به پرستش و
ستایش برهٔ ذبح‌شده، کاملاً شایسته و بایسته
است. واپسین کلمات این کتاب نیز ماهیتی
عبادی و آیینی دارند. همان‌گونه که کتاب
با نیایشی لیتورژیک آغاز شد، با دعایی
عبادی و برکتی رسمی به پایان می‌رسد.
باشد که فیض خداوند بر شما باشد، در
حالی که در درک و ارزش‌گذاری شکل‌های
پرستشی موجود در این کتاب پُر ابهت و
شگفت‌انگیز، و در سراسر کتاب مقدس،
روز به روز بیشتر رشد می‌کنید.

